

# مقایسه رفتاری سیاست خارجی ایران: گفتمان آرمان‌گرای ارزش‌محور و گفتمان ایدئولوژیک ارزش‌محور عمل‌گرا

\* دکتر حسین فرزانه‌پور

\*\* پیمان زنگنه

## چکیده

تحلیل گفتمانی به عنوان یکی از روش‌های مطالعه پدیده‌ها در علوم انسانی به چگونگی تأثیر افکار و ایده‌های نظام‌مند بر امور اجتماعی می‌پردازد. هر نظام گفتمانی از سه ویژگی استیلا، ضدیت و عاملیت برخوردار است. بر اساس پروژه استیلا، یک نظام درصدد سیطره بر تمامی ارکان یک جامعه است. این نظام برای بقای خویش نیازمند غیر بیرونی است تا بتواند حیات

---

\* دکتر حسین فرزانه‌پور عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه بیرجند می‌باشد.  
(dr-farzanepour@yahoo.com)

\*\* پیمان زنگنه کارشناسی ارشد علوم سیاسی پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی می‌باشد.  
(peyman.zanganeh@yahoo.com)

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۶/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۹/۱۶

پژوهشنامه علوم سیاسی، سال چهارم، شماره دوم، بهار ۱۳۸۸، صص ۱۵۷-۱۱۹.

خود را بر اساس آن توجیه کند. همچنین زمانی که نظام گفتمانی، قدرت توجیه‌کنندگی خود را از دست می‌دهد، نیروهای آن مجموعه گفتمانی، به صورت خودجوش به بازتعریف آن گفتمان می‌پردازند. در جمهوری اسلامی ایران بعد از ماجرای عزل بنی‌صدر، گفتمان اسلام‌گرایی با کنار گذاشتن گفتمان ملی‌گرایی لیبرال، سیطره یافت. این گفتمان که تاکنون تداوم یافته است، دال‌هایی مانند عدالت اجتماعی، دفاع از مظلوم و ظلم‌ستیزی را مورد توجه قرار داد و مجموعه غرب به‌ویژه آمریکا را به عنوان غیر بیرونی خود، بازتعریف کرد. خرده‌گفتمان‌های این گفتمان مسلط، تاکنون با عطف توجه به دال‌هایی مانند امنیت و قدرت، هر کدام از دال‌های محوری این گفتمان را مورد توجه قرار داده‌اند. بنابراین با چنین رویکردی درصدد مقایسه دو خرده‌گفتمان آرمان‌گرای ارزش‌محور و ایدئولوژیک ارزش‌محور عمل‌گرا هستیم که در دو مقطع زمانی ۶۸-۱۳۶۰ و ۱۳۸۴ تاکنون به وقوع پیوسته است. هر کدام از این دو خرده‌گفتمان به دلیل تأکید بیشتر بر دال‌های گفتمان اسلام‌گرایی مانند عدالت اجتماعی، ظلم‌ستیزی، دفاع از مظلوم و استکبارستیزی، ضمن پاره‌ای تمایزهای شکلی، از نظر محتوایی مشابه یکدیگرند.

مقاله حاضر این تمایز شکلی و مشابهت محتوایی را در سطح خرد بر کشورهای افغانستان و عراق، در سطح میانی بر لبنان و فلسطین و در سطح کلان بر آمریکا و انگلیس مورد بررسی و کنکاش قرار می‌دهد.  
واژه‌های کلیدی: سیاست خارجی، گفتمان، خرده‌گفتمان، خرده‌گفتمان آرمان‌گرای ارزش‌محور، خرده‌گفتمان ایدئولوژیک ارزش‌محور عمل‌گرا.

### مقدمه

سیاست خارجی جمهوری اسلامی پس از سیطره گفتمان اسلام‌گرایی از دال‌های محوری این گفتمان مانند عدالت اجتماعی، حمایت از مظلوم، و مبارزه با ظلم در دوره‌های زمانی مختلف سود جسته است. در هر کدام از این خرده‌گفتمانها، دال‌های گفتمان اسلام‌گرایی با توجه به مقتضیات خرده‌گفتمانی هر دوره با دال‌هایی چون قدرت و امنیت ترکیب شده است. به طور مثال در دو خرده‌گفتمان مصلحت‌محور و فرهنگ‌گرای سیاست‌محور ضمن توجه به شعارهای اصیل انقلاب نظیر عدالت اجتماعی، ظلم‌ستیزی و حمایت از مظلومان عالم، نگاه استراتژیک و فرهنگی با محوریت منافع ملی ترجیح دارد. اما در دو مقطع ۱۳۶۸-۱۳۶۰ و ۱۳۸۴ تاکنون، بهره‌برداری از آرمان‌ها و شعارهای اولیه انقلاب نسبت به دو خرده‌گفتمان فوق چشمگیرتر است.

بنابراین در این مقاله برآنیم تا با بهره‌گیری از نظریه گفتمان، دو خرده‌گفتمان آرمان‌گرای ارزش‌محور و ایدئولوژیک ارزش‌محور عمل‌گرا را در سه سطح خرد، میانی و کلان مورد نسبت‌سنجی قرار دهیم. برای نیل به چنین مقصودی، تأثیرات انقلاب اسلامی را در سطح خرد بر کشورهای همجوار نظیر افغانستان و عراق، در سطح میانی بر لبنان و فلسطین و در سطح کلان بر امریکا و انگلیس مورد بررسی قرار می‌دهیم. بر این اساس ابتدا مباحثی چون گفتمان و ویژگی‌های آن بررسی می‌شود، سپس مبانی نظری دو خرده‌گفتمان آرمان‌گرای ارزش‌محور و ایدئولوژیک ارزش‌محور عمل‌گرا تحلیل می‌شود، و در نهایت تأثیرات این دو خرده‌گفتمان بر نظام بین‌المللی در سه سطح خرد، میانی و کلان مورد بررسی و کنکاش قرار می‌گیرد.

### تحلیل گفتمان

رهیافت گفتمانی، ارتباط تنگاتنگی با کنش‌های اجتماعی، عقاید و مشی و منش‌های آدمی در زندگی روزمره سیاسی دارد.

بر این اساس در نظر لاکلاو و موفه گفتمان‌ها صرفاً، گفتار و نوشتار نیستند بلکه مجموعه‌ای معنادار از علائم و نشانه‌های زبان‌شناختی و فرازبان‌شناختی تعریف می‌شوند.<sup>(۱)</sup>

لاکلاو در مقاله گفتمان خود بر آن است که آموزه گفتمان - آن‌گونه که در پاره‌ای از رویکردهای معاصر در عرصه تحلیل سیاسی بسط داده شده - ریشه در چیزی دارد که می‌توان آن را چرخش استعلایی در فلسفه مدرن نامید یعنی در شکلی از تحلیل که نه صرفاً به امور واقع بلکه به شرایط امکان آنها نیز می‌پردازد.<sup>(۲)</sup>

فوکو نیز همانند لاکلاو و موفه معتقد بود شکل‌های گفتمانی، مجموعه‌های منظمی از عقاید و مفاهیم‌اند که مدعی تولید دانش درباره جهان هستند. وی به دنبال شناسایی قواعد بنیادین و پایه‌ای در هر دوره‌ای بود که انتقال آن را به فرایندهای سیاسی و اجتماعی مرتبط می‌سازد. به بیان دیگر، وی در پی پاسخ به این پرسش بود که چه شرایطی در هر زمانه خاص موجب می‌شود که گونه‌های خاصی از گفتارها به کار برده شوند و رواج یابند و در مقابل، بسیاری از عبارات و اظهارات که از نظر قواعد و دستور زبان و هم از نظر اصول منطقی صحیح‌اند، مورد استفاده قرار نگیرند و مغفول واقع شوند.<sup>(۳)</sup>

برخلاف فوکو که به تمایز معناداری میان اعمال گفتمانی و غیرگفتمانی دست زد و معتقد بود نظام‌های دانایی (اپیستمه) عمدتاً گفتمانی نیستند بلکه تنها برخی از آنها، ارتباط معناداری با قدرت دارند و به بازتولید آن می‌پردازند، لاکلاو و موفه بر این باورند که تمامی پدیده‌های اجتماعی زیر سیطره گفتمان مسلط قرار دارند.<sup>(۴)</sup>

در حال بر اساس رویکرد لاکلاو و موفه، تحلیل گفتمان در حوزه پدیدارهای

1. Condition of Possibility

اجتماعی به وقوع می‌پیوندد. بر این اساس، در این نوشتهٔ پژوهشی رویکرد لاکلاو و موفه که گفتمان را امری تأثیرگذار بر پدیدارهای اجتماعی می‌داند، و نگاه فوکو که معتقد است برخی از حوزه‌های غیرگفتمانی وجود دارند که خارج از گفتمان مسلط قرار دارند و درصدد مفصل‌بندی عناصر جدیدی هستند، مورد توجه قرار گرفته است.

### مفهوم گفتمان

گفتمان یا آنچه در نوشته‌های زبان فارسی با عنوان گفتار رایج شده است، به معنی طرز تلقی و نگرش فردی مثل گفتمان هابز، لاک و مارکس، نگرش و زاویه دید یک نشریه اعم از روزنامه یا مجله علمی، تمایزگذاری میان ساخت‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و یا مجموعهٔ منسجمی از اندیشه‌ها مانند لیبرالیسم، سوسیالیسم و نومحافظه‌کاری است؛<sup>(۵)</sup> اما به‌رغم این تکرر معنایی باید ریشهٔ آن را در زبان‌شناسی دوسوسور<sup>۱</sup> جست‌وجو کرد که زبان را ساختی معنادار و بدون تغییر می‌داند.<sup>(۶)</sup>

همچنین گفتمان به وسیلهٔ ابزار زبان، واقعیت را بازنمایی کرده و فهم ما را از جهان شکل می‌دهد. بر این اساس، هویت و خودفهمی فرد را به شیوهٔ ویژه‌ای تعریف کرده و در حوزهٔ سیاسی برخی امکانات زندگی سیاسی را محقق و برخی دیگر را حذف می‌کند.<sup>(۷)</sup>

بنابراین لحظه‌هایی از معانی اضافه و بالقوه که در بیرون از منظومهٔ گفتمانی باقی می‌مانند، بستری برای مفصل‌بندی گفتمان دیگری محسوب می‌شوند که حوزهٔ گفتمانی نام دارد. همچنین هر گفتمان دارای عناصری<sup>۲</sup> است که معنی آن تثبیت نشده است. پس از اینکه این عناصر در یک رابطه به صورت دال‌های معنادار درآمدند، یک دال محوری و مرکزی در میان آنان شکل می‌گیرد که به دال مرکزی معروف است مانند دال لیبرالیسم در گفتمان لیبرالیسم که خود یک دال مرکزی است که دال‌های شناوری چون آزادی فردی و محدودیت دخالت دولت در

1. Dossosor
2. Elements

امورخصوصی از آن ناشی می‌شود.<sup>(۸)</sup>

### ویژگی‌های گفتمان

فردیت و عاملیت، ضدیت و استیلا و هژمونی از عمده‌ترین ویژگی‌های یک نظام گفتمانی محسوب می‌شود.

#### ۱. فردیت و عاملیت

در نظریه آلتوسر و ساختارگرایان، سوژه‌ها فاقد اختیارند اما در دیدگاه لاکلاو و موفه، سوژه در شرایط خاصی، از نوعی استقلال برخوردار است؛ یعنی زمانی که گفتمان نمی‌تواند به عاملان هویت بخشد، عاملان سیاسی دست به کار شده و در نقش سوژه ظاهر می‌شوند.<sup>(۹)</sup>

#### ۲. ضدیت

ایجاد تجربه و ضدیت‌های اجتماعی امری محوری در نظریه گفتمان است زیرا ایجاد یک رابطه خصمانه منجر به شکل‌گیری دشمن یا دیگری می‌شود و برای تأسیس مرزهای سیاسی امری حیاتی است. از سوی دیگر، ایجاد روابط خصمانه و تثبیت مرزهای سیاسی امری محوری برای تثبیت بخشی از هویت به صورت‌بندهای گفتمانی و کارگزاران اجتماعی است. همچنین تجربه ضدیت نمونه‌ای است که حدوثی بودن گفتمان را نشان می‌دهد.<sup>(۱۰)</sup>

#### ۳. هژمونی

این مفهوم ریشه در اندیشه گرامشی دارد و به معنای رهبری اخلاقی و فکری است. اعمال هژمونیک نمونه‌ای از اعمال سیاسی و هویت‌های متفاوت با هدف ایجاد یک پروژه مشترک برای ایجاد یک نظم گفتمانی هستند.<sup>(۱۱)</sup> در این مقاله سعی بر آن است که با به‌کارگیری رویکرد گفتمانی، به تحلیل مقایسه‌ای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پردازیم.

### گفتمان انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی گفتمان جدیدی را در عرصه مناسبات جهانی ایجاد کرد که برخلاف

گفتمان شاهنشاهی که در حوزه روابط خارجی بر وابستگی به قدرت‌های بزرگ به‌ویژه امریکا شکل گرفته بود و به باور فرد هالیدی تحت تأثیر مناسبات بین‌المللی بر ایران بود،<sup>(۱۲)</sup> رویکردی ضد استکباری را با محوریت ضدیت با امریکا در پیش گرفت. ابرگفتمان انقلاب اسلامی دال‌هایی مانند استقلال، آزادی، استبدادستیزی، مبارزه با استکبار، ظلم‌ستیزی، حق تعیین سرنوشت و عدالت اجتماعی را در درون خویش پرورش داد که هر کدام از آنها مورد استفاده دو گفتمان عمده انقلاب اسلامی یعنی ملی‌گرایی لیبرال و اسلام‌گرایی قرار گرفت. گفتمان ملی‌گرای لیبرال، دال‌هایی مانند استقلال داخلی، حاکمیت قانون، مشروطیت یا نفی استبداد، حاکمیت ملت بر سرنوشت خویش و آزادی را مورد توجه قرار داد و دال‌های دیگر نظیر عدالت اجتماعی را به حاشیه راند.<sup>(۱۳)</sup> گفتمان ملی‌گرای لیبرال بعد از کودتای ۲۸ مرداد شکل گرفت و در اوان پیروزی انقلاب اسلامی در قالب کابینه مهندس مهدی بازرگان نمود یافت. پس از کنار رفتن کابینه بازرگان در جریان اشغال سفارت امریکا، گفتمان دیگر ابرگفتمان انقلاب اسلامی یعنی گفتمان اسلام‌گرایی با تأکید بر دال محوری عدالت اجتماعی و ظلم‌ستیزی، ظهور کرد. این گفتمان که تاکنون تداوم یافته، سعی کرد با نشان دادن غرب به جای عرب به عنوان دگر خارجی، خود را از منظر گفتمانی بیرون از مدار و حریم مدرنیته و فلسفه سیاسی غرب بازتعریف کند.<sup>(۱۴)</sup>

گفتمان اسلام‌گرایی، امت واحد اسلامی را واحد تحلیل خود قرار داد و در تلاش برآمد تا کانون‌های متعدد مقاومت را در برابر قدرت هژمونیک امریکا بسیج کند و گستره ارزش‌های خود را به فراسوی مرزهای جغرافیایی خود تسری دهد.<sup>(۱۵)</sup> این گفتمان که سیاست اخلاقی را جایگزین اخلاق سیاسی نمود،<sup>(۱۶)</sup> به خرده‌گفتمان‌هایی تقسیم می‌شود که در هر مقطع زمانی دال‌هایی از آن برجسته شده است. علیرضا ازغندی در کتاب سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از این خرده‌گفتمان‌ها با عنوان گفتمان یاد کرده و عمده‌ترین آنها را به شرح زیر می‌داند: ۱. گفتمان مصلحت‌محور یا واقع‌گرا (۵۸-۱۳۵۷) که از زمان نخست‌وزیری بازرگان آغاز و تا اشغال سفارت امریکا ادامه داشت؛ ۲. گفتمان ارزش‌محور یا آرمان‌گرا (۶۸-۱۳۶۰) که دوره جنگ تحمیلی را دربرمی‌گرفت؛ ۳. گفتمان منفعت‌محور یا

اصلاح اقتصادی که بعد از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شروع و تا دوره هاشمی رفسنجانی ادامه یافت؛ ۴. گفتمان فرهنگ‌گرای سیاست‌محور که دوره ریاست‌جمهوری سید محمد خاتمی را شامل می‌شود.

این مقاله برخلاف رویکرد بالا که اصطلاح گفتمان را برای تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به کار گرفته، از خرده‌گفتمان بهره گرفته و آن را در درون گفتمان اسلام‌گرایی قرار می‌دهد.

همچنین در این مقاله به خرده‌گفتمان ایدئولوژیک ارزش‌محور عمل‌گرای محمود احمدی‌نژاد توجه شده است. دهقانی فیروزآبادی در مقاله‌ای با عنوان «گفتمان اصول‌گرای عدالت‌محور» در شماره پنجم فصلنامه دانش سیاسی به مطالعه و بررسی سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد پرداخته است. در این اثر از پنج خرده‌گفتمان اسلام‌گرایی با عناوین: آرمان‌گرایی امت‌محور، مصلحت‌گرایی مرکز‌محور، واقع‌گرایی توسعه‌محور، صلح‌گرایی مردم‌سالار و سرانجام اصول‌گرای عدالت‌محور یاد شده است.<sup>(۱۲)</sup> این اثر ضمن اینکه همانند مقاله دهقانی، خرده‌گفتمان احمدی‌نژاد را تحت عنوان ایدئولوژیک ارزش‌محور عمل‌گرا مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داده، بر این باور است که این خرده‌گفتمان ضمن پایبندی به اصول و ارزش‌های اسلامی، در شرایط بحرانی نوعی عمل‌گرایی منطبق با واقعیت‌های جامعه بین‌المللی را به نمایش گذاشته که در مقاله آقای دهقانی چنین رویکردی لحاظ نشده است. ضمن اینکه در این مقاله، خرده‌گفتمان احمدی‌نژاد با خرده‌گفتمان سال‌های ۶۸-۶۰ مقایسه شده است که دهقانی در مقاله خود به آن نپرداخته است.

همچنین در کتاب تحول گفتمانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران اثر آقای دهقانی نیز گفتمان‌های اسلام‌گرایی بررسی و مختصات آن تشریح شده اما به گفتمان احمدی‌نژاد اشاره‌ای نشده است. در این مقاله ضمن پرداختن به خرده‌گفتمان احمدی‌نژاد، این خرده‌گفتمان با خرده‌گفتمان اوایل انقلاب مقایسه شده که در کتاب آقای دهقانی چنین رویکردی به چشم نمی‌خورد.

بنابراین این نوشته ضمن بهره‌گیری از چهارچوب نظری منابع موجود، به طور هدفمند دو خرده‌گفتمان را با عناوین: خرده‌گفتمان آرمان‌گرای ارزش‌محور و



ایدئولوژیک ارزش‌محور عمل‌گرا، مورد بررسی قرار می‌دهد؛ با این فرض که سیاست خارجی جمهوری اسلامی در این دو مقطع بیشتر از دیگر مقاطع، جنبه هویتی به خود گرفته است.

لازم به ذکر است هریک از این خرده‌گفتمان‌ها بر اساس نظام صدقی حاکم بر جامعه بر کانون‌ها، دقایق و عناصر خاصی بنا شده و مفاهیم محوری و مرکزی سیاست خارجی را در چهارچوب نظام معانی<sup>۱</sup> بازتعریف کرده است، به گونه‌ای که دال‌های شناوری<sup>۲</sup> چون منافع، قدرت، امنیت ملی، نظام بین‌الملل، صلح و حتی دولت ملی در بستر هریک از این خرده‌گفتمان‌ها، معنا و مدلولی<sup>۳</sup> متفاوت یافته‌اند. این تعدد و تکثر معانی<sup>۴</sup> حاصل مفصل‌بندی<sup>۵</sup> متفاوت دال‌ها توسط این خرده‌گفتمان‌هاست. این تغییرات خرده‌گفتمانی تنها در حوزه مفاهیم و معانی باقی نمانده، بلکه رفتارها و کنش‌های سیاست خارجی را نیز دگرگون ساخته است.<sup>(۱۸)</sup>

#### ۱. خرده‌گفتمان آرمان‌گرای ارزش‌محور

خرده‌گفتمان آرمان‌گرای ارزش‌محور که از اوایل دهه ۱۳۶۰ در فضای سیاسی ایران حاکم شد، حاصل تضاد با دولت موقت مهندس بازرگان بود. مبارزه قدرت میان دولت موقت به عنوان ائتلاف احزاب میانه‌رو و لیبرال با نهادهای انقلابی که تحت تسلط روحانیون قرار داشتند، سرانجام به زوال آن دولت انجامید. پس از برکناری ابوالحسن بنی‌صدر، حزب جمهوری اسلامی قدرت را به دست گرفت. این حزب در نخستین مجلس شورای اسلامی با ائتلاف گروه‌های اسلام‌گرای دیگر مانند جامعه روحانیت و فدائیان اسلام، اکثریت مجلس را به دست گرفت. پس از ماجرای بنی‌صدر ضدیت گروه‌های اسلام‌گرا با لیبرالیسم شدت گرفت و حکومت دینی خالص به شیوه کاملاً ضد لیبرالی، آشکارا اعلام موجودیت کرد.<sup>(۱۹)</sup>

1. System of Meaning
2. Float Signifiers
3. Signified
4. Polyemy
5. Articulation

الف - دال برتر: آرمان‌گرایی اسلامی

آرمان‌گرایان اسلامی به عنوان دال متعالی خرده‌گفتمان آرمان‌گرای ارزش‌محور، تفسیری آرمان‌خواهانه و حداکثری از اسلام و اندیشه امام خمینی دارند. آنان بر این باورند که باید برای تحقق آرمان‌های اسلامی صرف‌نظر از هزینه‌های مادی آن تلاش نمود.<sup>(۳۰)</sup> آرمان‌گرایان اسلامی این سخن امام خمینی را که: «جمهوری اسلامی با تمام وجود برای احیای هویت اسلامی مسلمانان در سراسر جهان سرمایه‌گذاری می‌کند و دلیلی هم ندارد مسلمانان جهان را به پیروی از اصول تصاحب قدرت در جهان دعوت نکند و جلوی جاه‌طلبی و فزون‌طلبی صاحبان قدرت و پول را نگیرد».<sup>(۳۱)</sup> این‌گونه تفسیر می‌کردند که تمامی مسلمانان باید در برابر بی‌عدالتی ایستادگی کرده و به یاری محرومان بشتابند و در این راه هر گونه مصلحت‌اندیشی را به کناری نهند. بنابراین آرمان‌گرایان اسلامی با تأثر از آرا و اندیشه‌های امام خمینی در قالب گفتمان آرمان‌گرای ارزش‌محور، با نهضت‌های آزادی‌بخش جهان ارتباط برقرار کردند.

ب - عناصر و مفاهیم گفتمانی

۱. دولت - ملت

نظریه دولت در خرده‌گفتمان آرمان‌گرای ارزش‌محور بر فرض دین حداکثری استوار شده است. در این برداشت علاوه بر بیان اصول کلی و قواعد عام در مورد حکومت، شکل و شئون آن نیز تعیین شده است؛ به طوری که همان احکام صدر اسلام در شرایط کنونی برای جمهوری اسلامی ایران نیز ثابت و به شرط امکان واجب است.<sup>(۳۲)</sup> بر اساس این خرده‌گفتمان، دولت جنبه فراملی داشته و مشروعیت خود را از خداوند می‌گیرد. این نظریه آرمانی قرائت خاصی را از ولایت فقیه ارائه می‌دهد که بر اساس آن جمع بین حاکمیت ملی و حاکمیت الهی امکان‌پذیر نیست. حاکمیت از آن خداوند است که از طریق معصوم به ولی فقیه تفویض شده است.

آرمان‌گرایان با تأکید بر جنبه فراملی جمهوری اسلامی ایران معتقدند ایران تنها متعلق به ملت آن نیست بلکه به تمامی مسلمانان جهان تعلق دارد. در این راستا

شرط ایرانی‌الاصل بودن برای رئیس‌جمهور، رهبر و اعضای شورای رهبری لازم نیست.<sup>(۲۳)</sup>

از نگاه آرمان‌گرایان اسلامی، «اسلامیت» عنصر اساسی هویت در جمهوری اسلامی است و نقش ایرانیت از نگاه آنان یک منبع هویتی بسیار ناچیز است؛ از این رو ملی‌گرایی به دلیل تعارض با اندیشه جهان‌وطنی آنان در هر شکلش مطرود است و ایران جزئی از امت بزرگ اسلام محسوب می‌شود.<sup>(۲۴)</sup>

در این راستا جلال‌الدین فارسی در مجلس خبرگان بررسی قانون اساسی جمهوری اسلامی اظهار می‌دارد: «ملت مسلمان ایران واحدی تجزیه‌ناپذیر است و به حکم آیه کریمه «ان هذه امتکم امه واحده و انا ربکم فاعبدون» جزئی از امت واحد اسلامی است».<sup>(۲۵)</sup>

بنابراین ماهیت و هویت صد درصد اسلامی جمهوری اسلامی ایران به عنوان واحدی از اتحاد جماهیر اسلامی ایجاب می‌کند که منافع خود را برحسب مصالح اسلامی تدوین کرده و در جهت تحقق آن در سیاست خارجی بکوشد، به طوری که حفظ موجودیت، تقویت و گسترش اسلام آنقدر ارزشمند است که بر بقا و موجودیت حکومت اسلامی و نظام سیاسی نیز ترجیح دارد و دولت اسلامی نمی‌تواند با اتکا به مصلحت نظام، شرع و احکام الهی را تعطیل کند مگر اینکه از باب دفع افسد به فاسد باشد. پس در همه حال این دولت باید به وظایف و مسئولیت‌های اسلامی و فراملی خویش عمل کند.<sup>(۲۶)</sup>

## ۲. انقلاب اسلامی

آرمان‌گرایان در خرده‌گفتمان آرمان‌گرای ارزش‌محور به جای تحکیم دستاوردهای انقلاب در داخل، به صدور آن به دیگر کشورها می‌اندیشند. آنان با استناد به برخی بیانات امام خمینی این‌گونه استدلال می‌کنند که دولت جمهوری اسلامی باید بدون هر گونه مصلحت‌اندیشی، به زمینه‌سازی برای تحول انقلابی در دیگر جوامع بپردازد. به عنوان مثال یکی از بیانات امام خمینی که آرمان‌گرایان به آن استناد می‌کنند، این فراز از پیام ایشان به مناسبت نخستین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی است:

«ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می‌کنیم چراکه انقلاب ما اسلامی است و تا بانگ لا اله الا الله و محمد رسول الله بر تمامی جهان طنین نیفتد، مبارزه هست و تا مبارزه در هر جای جهان علیه مستکبرین هست، ما هستیم. ما از مردم بی‌پناه فلسطین در مقابل اسرائیل دفاع می‌کنیم. اسرائیل این جرثومه فساد، همیشه پایگاه امریکا بوده است. باید همه به پا خیزیم و اسرائیل را نابود کنیم و ملت قهرمان فلسطین را جایگزین آن گردانیم. ما از ملت مسلمان و دلیر افغانستان کاملاً پشتیبانی می‌کنیم»<sup>(۳۷)</sup>

پس بسترسازی برای استقرار نظم انقلابی در کشورهای دیگر نیازمند دو اقدام ایجابی برقراری رابطه با ملت‌ها و حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش و سلبی مبارزه و مقابله با دولت‌های محافظه‌کار جهان اسلام و جهان سوم و قدرت‌های استکباری به عنوان موانع صدور انقلاب است. این دقایق گفتمان آرمان‌گرایی در سخنان برخی مقامات جمهوری اسلامی ایران نیز نمود یافت. مثلاً میرحسین موسوی، وزیر خارجه وقت ایران، به هنگام تشریح خطوط کلی و اصول سیاست خارجی آینده کشور بیان می‌دارد:

«وزارت امور خارجه همان‌طور که در برنامه دولت نیز مطرح شد، در جهت مبارزه با استکبار جهانی به عنوان یک اصل، حرکت خواهد کرد و به ندای مظلومانه‌ای که از میان ملل مستضعف جهان بلند شود، پاسخ مثبت خواهد داد و به نهضت‌های آزادی‌بخش که در راه حق و راه بهروزی انسان‌ها مبارزه می‌کنند، کمک خواهد کرد. ما باید تلاش کنیم سیاست خارجی‌مان را در جهت کمک برای آزاد ساختن سرزمین اشغال‌شده فلسطین شکل دهیم».<sup>(۳۸)</sup>

بنابراین آرمان‌گرایان اسلامی برخلاف دیگر اسلام‌گرایانی که شیوه تدریجی و مسالمت‌آمیز را برای عمل به مسئولیت‌های فراملی خود مناسب می‌دانند، معتقدند باید به شیوه تهاجمی، فوری و آنی و در صورت لزوم استفاده از نیروی قهریه، آرمان‌های انقلاب اسلامی را عملی کنیم.<sup>(۳۹)</sup>

۳. نظام بین‌الملل

آرمان‌گرایان اسلامی ضمن تقسیم جهان به دودسته دارالکفر و دارالاسلام بر این

باورند که دارالاسلام باید تمام توان خود را به کار گیرد تا بر تمامی جهان سیطره یابد و از طریق ایجاد انقلاب مستمر در بلاد اسلامی و مبارزه با سران کفر، حکومت جهانی اسلام را تشکیل دهد.<sup>(۳۰)</sup>

آنان دستیابی به نظم جهانی اسلامی را از طریق تغییر فوری مناسبات بین‌المللی به وسیله کاربرد خشونت و زور ممکن می‌دانند. به عنوان مثال جلال‌الدین فارسی عضو خبرگان قانون اساسی و نامزد اول حزب جمهوری اسلامی برای ریاست‌جمهوری در فروردین ۱۳۵۸ طی سخنانی چنین اظهار داشت:

«انترناسیونالیست برای انقلاب یعنی اینکه انقلاب تنها متعلق به ملت ایران نیست، بلکه باید در میهن اسلامی و هر جا که مسلمانی زندگی می‌کند، امتداد پیدا کند... در منطق اسلام و در نظام فکری اسلام دارالاسلام و دارالکفر داریم... یعنی میهن اسلامی و میهن کفار... ما منادی آزادی، عدالت، برابری و منادی شرکت در جهاد مسلحانه برای آزادی فلسطین، برای سرنگونی رژیم‌های طاغوتی در مصر، در سعودی و در هر کجا که هستند، می‌باشیم».<sup>(۳۱)</sup>

آرمان‌گرایان با استناد به سخنان امام خمینی مبنی بر نامشروع و ناعادلانه دانستن نظام بین‌المللی، سخن ایشان را این‌گونه تعبیر می‌کنند که با اتخاذ یک استراتژی تهاجمی - آن هم در کوتاه‌مدت - باید مناسبات بین‌المللی را تغییر داد و از طریق وحدت ملت‌های اسلامی، بلوک قدرتمندی از کشورهای اسلامی را به وجود آورد:

«مردم عزیز ایران باید سعی کنند سختی‌ها و فشارها را برای خود پذیرا گردند تا مسئولان بالای کشور به وظیفه اساسی‌شان که نشر اسلام در جهان است، برسند».<sup>(۳۲)</sup>

در حال خرد گفتمان آرمان‌گرای ارزش‌محور ضمن ایجاد فرصت‌هایی برای تأمین اهداف فراملی و ایجاد زمینه‌های نفوذ سیاسی، وحدت ایدئولوژیک و تشکیل حوزه نفوذ در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی، محدودیت‌هایی را نیز برای اهداف ملی، توسعه صنعتی، تکنولوژیک، رفاه اقتصادی و کسب اعتبار بین‌المللی ایجاد کرد؛ بنابراین از اواسط دهه ۶۰ یعنی اواسط جنگ ایران و عراق، دکترین امت‌محور حاکم بر این خرد گفتمان در اثر فشارهای بین‌المللی و مشکلات داخلی به دکترین

مرکز محور با تأکید بر ضرورت دفاع از تمامیت ارضی و حفظ ام‌القری شیعه تغییر فاز داد. بر اساس این دکترین، گفتمان آرمان‌گرایی ارزش محور، باید آرمان‌گرایی را در ایران نهادینه می‌کرد.<sup>(۳۳)</sup>

محمد جواد اردشیر لاریجانی به عنوان طراح این دکترین، حفظ ماهیت اسلامی رژیم و موقعیت آن در جهان اسلام، حفاظت و دفاع از امنیت کشور و گسترش جمهوری اسلامی را از عمده‌ترین اهداف این دکترین اعلام کرد. از نگاه وی، ام‌القری با جهان اسلام رابطه دیالکتیکی دارد، به طوری که اگر ام‌القری به خطر افتد، حفظ آن بر عهده جهان اسلام است و اگر جهان اسلام به خطر بیفتد، ام‌القری نسبت به آن حساسیت نشان می‌دهد.<sup>(۳۴)</sup>

در هر حال پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت از آثار اتخاذ چنین رویکردی در بستر خرده‌گفتمان آرمان‌گرایی ارزش محور است.

#### ۲. خرده‌گفتمان ایدئولوژیک ارزش محور عمل‌گرا

در خرده‌گفتمان ایدئولوژیک ارزش محور عمل‌گرای احمدی‌نژاد، عدالت دال متعالی یا برتر است که عناصر و دال‌های دیگری نظیر ماهیت دولت، انقلاب اسلامی و نظام بین‌المللی به وسیله آن معنا و مفهوم می‌یابند.<sup>(۳۵)</sup> این خرده‌گفتمان در معنابخشی به مفاهیم و گزاره‌های گفتمانی سه‌گانه بالا متمایز از دیگر خرده‌گفتمان‌های اسلام‌گرایی عمل کرده است؛ به طوری که دغدغه‌های هویتی و ارزشی که در خرده‌گفتمان فرهنگ‌گرایی سیاست‌محور (دوره اصلاحات) به حاشیه رانده شده بود، از تیر ماه ۱۳۸۴ به بعد در قالب مفصل‌بندی جدید، توسط نیروهای ارزشی، بر فضای سیاسی کشور سیطره یافت. احمدی‌نژاد پس از به دست گرفتن زمام امور، فضای فرهنگی خرده‌گفتمان پیشین را این‌گونه توصیف می‌کند:

«در آن زمان امام حسین (ع) را زیر سؤال بردند و صلاحیت و کفایت حکومت به طور گسترده‌ای زیر سؤال می‌رفت و حتی علمای برجسته با عناوین مختلف مورد هتک حرمت قرار می‌گرفتند اما امروز به فضل الهی با افتخار اعلام می‌کنم ادبیات و آرمان دولت، دینی است و به خاطر آن آرمان، سختی‌ها را در داخل کشور تحمل می‌کنیم».<sup>(۳۶)</sup>

الف - دال برتر عدالت

احمدی‌نژاد عدالت‌طلبی را در عرصه سیاست داخلی به عنوان دال محوری گفتن خویشتن قرار داد که در کنار این دال محوری، دال‌هایی نظیر مبارزه با فقر، فساد و تبعیض معنا می‌یابد.

احمدی‌نژاد علاوه بر توجه به دال محوری عدالت‌گستری، مهرورزی، خدمت به بندگان خدا و اعتلای مادی و معنوی کشور را نیز مورد توجه قرار داد.

«خدمت‌گزاری مهم‌ترین وظیفه و مقوم اصل عدالت و مهرورزی است. مدیران و کارگزاران دولت اسلامی هیچ شأنی جز خدمت‌گزاری ندارند.»<sup>(۳۷)</sup>

در عرصه سیاست خارجی هم دال برتر عدالت پیگیری شد به طوری که رئیس‌جمهور در گردهمایی سفیران و رؤسای نمایندگی‌های جمهوری اسلامی در خارج از کشور در سال ۱۳۸۴، با صراحت عدالت‌گستری را یکی از مبانی و اصول سه‌گانه‌ای را برشمرد که همه ارکان سیاست خارجی و مدل دیپلماسی جمهوری اسلامی باید بر پایه آنها طراحی، اجرا و به جامعه بین‌المللی عرضه شود.<sup>(۳۸)</sup>

منوچهر متکی وزیر امور خارجه نیز عدالت را اصل محوری سیاست خارجی ایران معرفی می‌کند و بیان می‌دارد:

«رویکرد عدالت‌خواهانه در سیاست خارجی نیز انعکاس دارد و به رفتار آن در عرصه بین‌المللی شکل می‌دهد. در نتیجه جمهوری اسلامی ایران علاقه‌مند است با کشورهای اسلامی همسو و پرچمدار حرکت در مسیر تحقق عدالت بین‌المللی گردد.»<sup>(۳۹)</sup>

عدالت‌طلبی و عدالت‌گستری در عرصه سیاست خارجی و روابط بین‌الملل ناشی از اصلاح، ابداع و بدعت در منظومه فکری، ارزشی و آرمان‌های انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی نیست بلکه تجلی و نمود بازگشت به یکی از اصول و ارزش‌های اولیه و بنیادی انقلاب اسلامی و اندیشه‌های بنیانگذار جمهوری اسلامی تلقی می‌شود.<sup>(۴۰)</sup> در هر حال دکتترین سیاست خارجی احمدی‌نژاد، تحت تأثیر دال محوری عدالت، اعتمادسازی در سیاست خارجی، گسترش مناسبات با جهان و عدالت محوری و اسلام‌گرایی در عرصه روابط بین‌المللی را پیگیری می‌کند.

ب - عناصر و مفاهیم گفتمانی

۱. دولت - ملت

ماهیت دولت جمهوری اسلامی، هویت ملی و منافع ملی (همان اهداف ملی) از عناصر دولت - ملت در ایران هستند. از دید احمدی نژاد دولت - ملت در جمهوری اسلامی ایران ماهیت، کارکرد و مسئولیت اسلامی دارد. بر اساس ماهیت اسلامی دولت در خرده گفتمان ایدئولوژیک ارزش محور عمل گراست که دولت ملی سرزمینی در ایران اصالت نداشته و مقدمه‌ای برای استقرار حکومت جهانی اسلام و دفاع از مظلومان و مستضعفان است.<sup>(۴۱)</sup>

در خرده گفتمان احمدی نژاد، اسلام و اسلامیت نخستین عنصر هویت ملی است که از اولویت بیشتری نسبت به ایرانیت برخوردار است. بنابراین آرمان‌ها، اصول و ارزش‌های انقلاب نیز از مقدمات بنیادی و از عناصر اساسی تعیین کننده هویت ملی ایران است؛ به گونه‌ای که رهبر انقلاب اسلامی ضمن تفکیک ناپذیر خواندن اصول انقلاب اسلامی از هویت و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران، ارزیابی مسائل مهم سیاست خارجی را از این منظر توجیه می‌کند:

«ملت ایران ملتی است که از کرامت انسانی دفاع می‌کند، خواهان سعادت همه

ملت‌ها و دوستدار و غمخوار همه ملت‌هاست».<sup>(۴۲)</sup>

در خرده گفتمان احمدی نژاد، اصول‌گرایی، ارزش‌های حاکم و مصالح اسلامی است که مدلول، مصادیق، منافع و اهداف ملی را تأمین می‌کند؛ بنابراین ایران اسلامی در شرایط فعلی بین‌المللی حکم وطن اسلامی را دارد که حفظ موجودیت، تمامیت ارضی، استقلال و حاکمیت، امنیت و رفاه و توسعه آن بر اساس موازین اسلامی و اصول انقلاب اسلامی واجب است؛ اما این اهداف و منافع به مثابه مقدمه واجب، لازمه تحقق مصالح اسلامی و اهداف بلندمدت انقلاب اسلامی چون تشکیل جامعه جهانی اسلام، وحدت جهان اسلام، تأمین سعادت بشریت، دفاع از مسلمانان، حمایت از مستضعفان و از بین بردن نظام سلطه جهانی است.<sup>(۴۳)</sup>

۲. انقلاب اسلامی

در خرده گفتمان ایدئولوژیک ارزش محور عمل گرای احمدی نژاد، انقلاب اسلامی



انقلابی ملی و محدود نیست بلکه جنبه فراملی و فرامرزی دارد که اهداف ملی آن حاکمیت اسلام، آزادی، مردم‌سالاری، عدالت، استقلال و نفی استبداد است و اهداف فراملی آن استکبارستیزی، نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، وحدت جهان اسلام، حکومت جهانی اسلام، صدور انقلاب اسلامی، دفاع از مسلمانان و مستضعفان و صلح و عدالت جهانی است.<sup>(۴۴)</sup> احمدی‌نژاد در این خصوص می‌گوید:

«امروزه به واسطه خون شهیدان مجدداً انقلاب اسلامی رخ داده است. انقلاب اسلامی در سال ۱۳۸۴ به وقوع پیوسته و ان‌شاءالله ریشه بی‌عدالتی‌ها را در دنیا خواهد خشکاند. دوران استکبار، سلطه، ظلم و بی‌عدالتی به سرآمده و امواج انقلاب اسلامی دنیا را در بر خواهد گرفت و نشانه‌های آن از هم‌اکنون پیداست.»<sup>(۴۵)</sup>

### ۳. نظام بین‌الملل

از منظر خرده‌گفتمان ایدئولوژیک ارزش محور عمل‌گرای احمدی‌نژاد، نظام بین‌الملل هم ناعادلانه و تبعیض‌آمیز است و هم اعتبار شرعی ندارد. در حال عدالت‌طلبی و عدالت‌گستری به عنوان دال برتر این خرده‌گفتمان ایجاب می‌کند که تغییر وضع موجود جهانی برای تأمین وضع مطلوب اسلامی در اولویت اهداف سیاست خارجی قرار گیرد. بر این اساس نپذیرفتن نظام سلطه و ناعادلانه جهانی موجود و مقابله با آن و تلاش برای اصلاح و تغییر ساختاری و هنجاری و نهادی آن حائز اهمیت است.

عدالت‌گستری و استقرار نظم مطلوب در نظام بین‌المللی دارای دو وجه ایجابی و سلبی است که وجه منفی آن مستلزم واسازی<sup>۱</sup> یا شالوده‌شکنی نظم موجود بین‌المللی است و وجه مثبت آن تلاش برای تبیین و ترویج نظم عادلانه اسلامی و فراهم ساختن لوازم و مقدمات آن است.<sup>(۴۶)</sup>

احمدی‌نژاد معتقد است جهان تشنه عدالت و در جست‌وجوی آن است. وی همچنین جهان را درگیر مناسبات ناعادلانه‌ای می‌بیند که حقوق ملت‌ها در آن تضییع می‌شود و هر روز آثار و ناهنجاری‌های ناشی از آن به نحو گسترده و بارزی خود را نشان می‌دهد.<sup>(۴۷)</sup>

خرده‌گفتمان احمدی‌نژاد، سیطره طاغوت بر فرهنگ، سیاست و اقتصاد جهان را از دیگر مشکلات بشری می‌داند و راه‌حل آن را در عدالت و معنویت جست‌وجو می‌کند. این خرده‌گفتمان همچنین سیری‌ناپذیری نظام استکباری و قدرت‌های سلطه‌گر و فاصله میان فقیر و غنی را ریشه اصلی تروریسم می‌بیند. از نگاه احمدی‌نژاد سازمان ملل نیز باید به دنبال گسترش معنویت و عشق به انسان‌ها باشد و با ویروس مخرب یک‌جانبه‌گرایی مقابله کند.<sup>(۴۸)</sup> بر این اساس خرده‌گفتمان ایدئولوژیک ارزش‌محور عمل‌گرای احمدی‌نژاد، سیاست خارجی فعالی را وجه همت خود قرار داده که اهداف آن در این فراز از سخنانش متبلور شده است:

«ایران خواهان صلح و آرامش بر پایه معنویت و عدالت است. ضمن اینکه متجاوز به حقوق کسی نیست، ظلم و ستم را هم نمی‌پذیرد».<sup>(۴۹)</sup>

#### بررسی تطبیقی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

۱۳۶۰-۶۸ در مقایسه با ۱۳۸۴ تاکنون

پس از تشریح مبانی نظری دو خرده‌گفتمان آرمان‌گرای ارزش‌محور و ایدئولوژیک ارزش‌محور عمل‌گرا اکنون در سه سطح خرد، میانی و کلان به مقایسه دقیق گفتمانی این دو خرده‌گفتمان در سطوح مختلف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازیم. در سطح خرد دو کشور همسایه افغانستان و عراق، در سطح میانی (منطقه خاورمیانه) کشورهای لبنان و فلسطین و در سطح کلان مجموعه غرب با تأکید بر دو کشور امریکا و انگلیس مورد بررسی و کنکاش قرار می‌گیرند.

#### ۱. سطح خرد

در این سطح که منظور از آن حوزه کشورهای همسایه ایران است، عناصر گفتمانی مانند دولت - ملت، انقلاب اسلامی و نظام بین‌الملل در قالب دو خرده‌گفتمان آرمان‌گرای ارزش‌محور و ایدئولوژیک ارزش‌محور عمل‌گرا مورد نسبت‌سنجی قرار خواهند گرفت.

۱-۱. افغانستان

تحولات کشور افغانستان در بستر خرده‌گفتمان آرمان‌گرای ارزش‌محور در قالب

عناصر گفتمانی دولت - ملت، انقلاب اسلامی و نظام بین‌الملل قابل بررسی و تجزیه و تحلیل است. بدون شک آرمان‌گرایی اسلامی و به دنبال آن تلاش برای تحقق ایده امت واحده اسلامی، در تحولات افغانستان تأثیرگذار بوده است؛ به طوری که حضور شیعیان در افغانستان نوعی هم‌سنخی میان ایران و افغانستان ایجاد کرده است. از طرف دیگر پیام انقلاب اسلامی که همان حمایت از مستضعفان و مظلومان عالم بود، در افغانستان فراگیر شد. در این زمان افغانستان تحت اشغال نیروهای شوروی بود و بسیاری از نیروهای افغان اعم از شیعه و سنی در صدد دفع این تجاوز بودند که پیام انقلاب اسلامی مبنی بر به چالش کشیدن نظم بین‌المللی بر حرکت ملت افغان در مبارزه با شوروی در تحقق این هدف تأثیر زیادی داشت.<sup>(۵۰)</sup> به طوری که آقایان ربانی، مجددی، شاه مسعود و حکمتیار که اهل تسنن بودند، در کنار گروه‌های شیعی جهاد علیه شوروی را اداره کردند.<sup>(۵۱)</sup> حرکت‌های جهادی افغانستان در این مقطع با کمک‌های مادی و معنوی ایران نشوونما یافت و جهادگران افغانی با الهام از دالّ محوری آرمان‌گرایان اسلامی ملحوظ در خرده‌گفتمان آرمان‌گرای ارزش‌محور به منظور تغییر مناسبات قدرت جهانی، اشغالگران را اخراج کردند.

بنابراین ایران پس از دفع تجاوز شوروی، سیاست شیعه‌محور را در افغانستان در پیش گرفت و به حمایت از اقلیت‌های ۱۵ درصدی هزاره‌ها در این کشور روی آورد، به طوری که مهاجرت این قوم به ایران افزایش چشمگیری یافت؛ از طرف دیگر خود گروه‌های شیعی افغان مانند قزلباش‌ها در کابل یا شیعیان قندهاری زمینه را برای طرح دیدگاه‌های انقلاب اسلامی در افغانستان فراهم آوردند.

نفوذ ایران در افغانستان در این دوره به قدری زیاد بود که برخی پژوهشگران از این دوره به نام دوره ایرانی شدن جوانان افغان یاد کرده‌اند.<sup>(۵۲)</sup>

همچنین به دلیل اهداف و مصالح انقلاب اسلامی دولت در قالب این خرده‌گفتمان، احزابی مانند حرکت اسلامی افغانستان و حزب‌الله افغانستان با کمک و مشارکت سپاه پاسداران در سال ۱۹۸۶، جبهه واحدی را در قم در جهت حمایت از آرمان انقلاب اسلامی در افغانستان ایجاد کردند.<sup>(۵۳)</sup> ایران با دعوت از برهان‌الدین ربانی در دسامبر ۱۹۸۶ و سپس مارس ۱۹۸۷ به تهران و پس از آن برگزاری

همایشی دربارهٔ افغانستان در سال ۱۹۸۹ بر آن بود تا ضمن صدور انقلاب اسلامی به افغانستان، در ساختارهای این کشور نفوذ کند.<sup>(۵۴)</sup>

در خرده‌گفتمان ایدئولوژیک ارزش‌محورِ عمل‌گرای احمدی‌نژاد نیز بار دیگر افغانستان به عنوان اولویت در سیاست خارجی ایران مطرح و بر سیاست‌های آرمان‌گرایانه در جهت تحقق انقلاب اسلامی تأکید شد. با این وجود در دورهٔ ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد تا اندازهٔ زیادی از نفوذ تاریخی ایران در میان شیعیان افغانستان کاسته شد. در این مقطع دولت ایران ضمن تعقیب اهداف اسلام‌گرایانه با رویکردی استراتژیک به «شورای نظار» که بدنهٔ اصلی جبهه شمال را تشکیل می‌داد، تمایل نشان داد و در میان آنان پایگاه تازه‌ای کسب کرد که می‌تواند در رقابت‌های آینده در افغانستان جهت مقابله با نفوذ امریکا از آن استفاده کند، به طوری که حامد کرزئی با درک نفوذ ایران در این شورا درصدد برآمد تا با گشودن باب مذاکره، این کشور را متقاعد کند تا از نفوذ خود در شورای نظار استفاده کند و آن را وادارد تا از فشارهای خود بر دولت افغانستان بکاهد. از طرفی دولت افغانستان هم در مورد مسئله هسته‌ای ایران و چالش این کشور با امریکا و متحدانش، امتیازات ویژه‌ای به ایران می‌دهد تا دولت ایران بتواند از آن استفاده کند.<sup>(۵۵)</sup>

## ۲-۱. عراق

فیلیپ رابینز از جمله محققان صاحب‌نام در خصوص تحولات عراق در مقاله‌ای با عنوان عراق، تهدیدهای انقلابی و واکنش‌های حکومتی، به بررسی تأثیرات انقلاب اسلامی ایران در عراق پرداخته است. وی در این مقاله با صراحت می‌گوید تنها کشوری که باید از تحولات انقلابی ایران نگران باشد، عراق است زیرا هم مرز مشترک با ایران دارد و از سوی دیگر مردم این کشور در سطح هویت اسلامی، دارای مشترکات قابل توجهی با مردم ایران هستند. رابینز در این مقاله با اشاره به اینکه درصدی از شیعیان عراقی در اصل ایرانی هستند، بر دال هویت اسلامی به عنوان یکی از دقایق خرده‌گفتمان آرمان‌گرای ارزش‌محور، صحنه می‌گذارد.<sup>(۵۶)</sup> همچنین به دلیل این هم‌سنخی هویتی و ارزشی، صدور انقلاب اسلامی در مناطقی چون کربلا و نجف با سهولت بیشتری انجام می‌شود، به طوری که دولتمردان حزب

بعث به این مسئله اعتراف کردند.

بنابراین شیعه‌محوری موجود در خرده‌گفت‌وگو آلمان‌گرای ارزش‌محور به دلیل تلاش شیعیان در مبارزه با ظلم و جور و حضور علمای سنتی تشیع در این کشور مورد توجه ملت عراق قرار گرفت. در هر حال وجود علقه‌های زیاد میان علمای عراقی و رهبران و شیعیان ایرانی، بهترین دلیل برای تأثیرپذیری عراق از تحولات انقلاب اسلامی و صدور آن به این کشور است.<sup>(۵۷)</sup>

اقامت امام خمینی در دوران تبعید در نجف، ارتباط عمیقی میان ایشان و علمای عراق پدید آورد که در گسترش آرمان‌های ایشان مؤثر بود و اهداف مشترکی را میان آنان پدید آورد. به طوری که افرادی مانند آیت‌الله محسن حکیم و پسرانش مهدی و محمد و آیت‌الله محمدباقر صدر از جمله افرادی بودند که با امام خمینی ارتباط تنگاتنگی داشتند. برای پی بردن به میزان این قرابت کافی است به نفوذ اندیشه‌های امام بر افکار آیت‌الله صدر نگاهی بیندازیم، به طوری که در برخی موارد وجوه تشابه به اندازه‌ای است که گویا سخن هر دو عالم تشیع یکی است. به همین دلیل صدای عربی رادیو ایران از او با نام «خمینی عراق» یاد کرده است.<sup>(۵۸)</sup>

در هر حال شواهد فوق حاکی از هم‌سنجی ارزشی و هویتی نیروهای سیاسی، مذهبی ایران با نیروهای سیاسی، مذهبی عراق است. فیلیپ رابینز می‌گوید:

«این یک حقیقت تاریخی است که بین شیعیان عراق و ساختار سیاسی حاکم بر این کشور نوعی تعارض وجود دارد. این تعارض بستر مناسبی را برای طرح اندیشه‌های انقلابی ایران در این کشور فراهم می‌آورد و هوادارانی را به سوی خود جلب می‌کند. الگوی ایران می‌تواند برای رهبران شیعیان عراق مفید باشد چراکه کاستی‌های آنها را در عمل جبران می‌کند.»<sup>(۵۹)</sup>

حزب بعث عراق با درک این واقعیت با تاکتیکی دوگانه سعی در کنترل جمعیت تشیع به‌ویژه در شهرهای کربلا و نجف داشت. دولت عراق از طرفی به وضعیت معیشت شیعیان در کربلا و نجف رسیدگی نمود و از سوی دیگر مخالفان و رهبران شیعه را به شدت سرکوب کرد. بدون تردید ترور آقایان بروجردی، تبریزی و فرزند آیت‌الله خویی از دیگر اقدامات حزب بعث برای مهار صدور انقلاب اسلامی بود.

همچنین صدام حسین برای مهار نفوذ انقلاب اسلامی و صدور آن به عراق، با همکاری امریکا و کشورهای غربی، جنگی هشت‌ساله علیه ایران به راه انداخت. راهبرد سیاست خارجی در این دوره در قالب خرده‌گفتمان آرمان‌گرای ارزش‌محور مبتنی بر ایستادگی و نفی سلطه ابرقدرت‌ها بر ایران، پیرامون شعارهای «جنگ، جنگ تا پیروزی»، «راه قدس از کربلا می‌گذرد»، «جنگ نعمت است» و «اگر بیست سال هم طول بکشد، ما ایستاده‌ایم»، طراحی شده بود.<sup>(۶۰)</sup>

از سوی دیگر در قالب خرده‌گفتمان ایدئولوژیک ارزش‌محور عمل‌گرای احمدی‌نژاد، سیاست خارجی ایران توانسته با استفاده از خلأ قدرت در عراق در راستای دال‌اسلامیت، با افراد و گروه‌های سیاسی موجود مانند جریان احیاشده آیت‌الله صدر و افرادی نظیر ابراهیم جعفری، عادل مهدی و حسین شهرستانی که زمام امور عراق را به دست گرفته‌اند، همسویی نشان دهد. سید هادی خسروشاهی در این راستا می‌گوید:

«اکنون گرایش‌های اسلامی در عراق صدها نشریه دارند. درست مثل اوایل انقلاب در ایران، البته همه جناح‌ها نشریه دارند. نقش تعیین‌کننده در عراق همان مرجعیت است».<sup>(۶۱)</sup>

در خرده‌گفتمان ایدئولوژیک ارزش‌محور عمل‌گرا نیز به دلیل تأثیرات معنوی ناشی از صدور انقلاب اسلامی به عراق و هم‌سنخی ارزشی میان رهبران و گروه‌های طرفدار ایران، این خرده‌گفتمان توانسته به‌رغم بسیاری از دسیسه‌ها و کارشکنی‌ها، بر نفوذ معنوی و استراتژیک خود به منظور وارد کردن فشار به امریکا بیفزاید. تأثیرگذاری ایران در این مقطع به قدری در تحولات عراق محسوس است که امریکا برای حل مشکلات امنیتی خویش تاکنون چندین دور مذاکره با ایران انجام داده است. اظهارات رایان کروکر سفیر امریکا در عراق مؤید این مدعاست:

«مدارکی وجود دارد که نشان می‌دهد دولت ایران در تجهیز افراطی‌های عراق دست دارد».<sup>(۶۲)</sup>

در حال به دلیل خلأ قدرت در عراق قدرت مانور ایران در این خرده‌گفتمان برای به چالش کشیدن نظام بین‌المللی بیشتر از خرده‌گفتمان آرمان‌گرای ارزش‌محور است.

۲. سطح میانی

هر کدام از دو خرده‌گفتمان آرمان‌گرای ارزش‌محور و ایدئولوژیک ارزش‌محور عمل‌گرا در سطح منطقه‌ای یا میانی در میان کشورهای خاورمیانه تأثیرات خاصی برجا گذاشته‌اند که در این مجال تأثیرات این دو خرده‌گفتمان بر دو کشور لبنان و فلسطین مورد بررسی و کنکاش قرار می‌گیرد.

۱-۲. لبنان

عنصر دولت - ملت و به‌ویژه مواردی مانند هویت دینی و اسلامی و ماهیت و اهداف اسلامی و ایمانی در خرده‌گفتمان آرمان‌گرای ارزش‌محور، بازتاب زیادی در لبنان داشت، به طوری که نخستین بازتاب آرمان‌های انقلاب اسلامی در قالب صدور انقلاب، موجب پیدایش نوعی احساس امنیت و هویت دینی در جنوب لبنان شد.<sup>(۶۳)</sup> آگوستوس ریچارد نورتین که یکی از مهم‌ترین حوزه‌های تأثیرگذاری ایران یعنی لبنان را مورد بررسی قرار داده است، بر این باور است که گرچه اوضاع آشفته لبنان زمینه نفوذ ایران را فراهم می‌کرد اما ایران در این کشور با دو مانع عمده مواجه بود: یکی گروه‌های سنی‌مذهب که پیدایی گروه‌های آرمان‌گرای شیعی را خطری جدی برای خود تلقی می‌کردند و دیگری مخالفت‌های ناشی از درون جامعه شیعی که نمود آن در درگیری حزب‌الله و امل مشهود بود. بر اساس تحلیل نورتین، ایران در تلاش بود تا با تقویت جایگاه شیعیان در لبنان به اهداف خویش دست یابد.

در حال ایران به وسیله کمک مالی به حزب‌الله و همراهی سوریه توانسته نقش تأثیرگذار خود را بر تحولات لبنان به اثبات برساند، به طوری که غربی‌ها با ادعای ارتباط عبداللهدی حمادی، عبدالعلی حمادی، عماد مغنیه و مصطفی بدرالدین با ایران، بر تأثیرگذاری ایران در تحولات این کشور صحنه می‌گذارند.<sup>(۶۴)</sup>

همچنین طرح نظریه ولایت فقیه که در خرده‌گفتمان آرمان‌گرای ارزش‌محور از جایگاه خاصی برخوردار است، در تحولات لبنان نیز نقش خود را نمایان ساخت.

در خرده‌گفتمان ایدئولوژیک ارزش‌محور عمل‌گرا و در راستای دال گفتمانی نظام بین‌الملل، ایران در جنگ ۳۳ روزه به منظور مقابله با رژیم صهیونیستی و دفاع از حقوق مستضعفان و محرومان، از حزب‌الله لبنان حمایت کرد. این جنگ که به

فاصله دو ساعت پس از دستگیری یک سرباز اسرائیلی به وسیله حزب‌الله توسط رژیم صهیونیستی آغاز شد،<sup>(۶۵)</sup> به ادعای بوش و رایس قرار بود در نخستین روزهای حملات اسرائیل به لبنان، به سرانجام برسد و طرح خاورمیانه بزرگ امریکا و اسرائیل در منطقه را تحقق بخشد اما با شکست اسرائیل، این طرح در حساس‌ترین لحظات با ناکامی مواجه شد.<sup>(۶۶)</sup>

آیت‌الله جوادی آملی پس از پیروزی حزب‌الله در جنگ ۳۳ روزه این پیروزی را امتداد تفکر بسیجی دانست و گفت:

«امروز ما شاهد صدور تفکر بسیجی به کشورهای نظیر لبنان و سوریه هستیم و حزب‌الله نیز در جنگ ۳۳ روزه از تفکر بسیجی بهره برد.»<sup>(۶۷)</sup>

پیروزی حزب‌الله در این جنگ که با حمایت‌های مادی و معنوی ایران انجام شد، نمادی از انتقاد جدی ایران به ساختارها، هنجارها و سازمان‌های بین‌المللی به‌ویژه شورای امنیت سازمان ملل است.

همچنین الیوت کوهن استراتژیست معروف امریکایی در تحلیل جنگ حزب‌الله با رژیم صهیونیستی گفت:

«اینکه مشتی جوان با اسلحه سبک و بدون پشتیبانی دیگران، چهارمین ارتش مدرن و روز جهان یعنی اسرائیل را زمین‌گیر می‌کند، نشانه‌ای از یک پایان است. نظریه پایان تاریخ فوکویاما را باید فراموش کرد. سرمنشأ تمامی این حرکات اسلام‌گرایانه و آزادی‌خواهانه، الگوی انقلاب اسلامی ایران است.»<sup>(۶۸)</sup>

بنابراین آشکار شدن توهم قدرت افسانه‌ای اسرائیل بر همگان، آشکار شدن ماهیت اعراب مبنی بر همکاری با امریکا و اسرائیل، مشخص شدن سختی جنگ با ایران برای امریکا و اسرائیل، و شیوه جنگ نامنظم در این نبرد، از عمده‌ترین پیامدهای داخلی و منطقه‌ای جنگ ۳۳ روزه بود که با پیروزی نظامی و سیاسی حزب‌الله و کمک‌های مادی و معنوی ایران به اتمام رسید.<sup>(۶۹)</sup> این رویداد منطقه‌ای که تأثیر فراوانی در معادلات جهانی از خود بر جای گذاشت، میزان نفوذ گفتمان انقلاب اسلامی به‌طور عام و خرده‌گفتمان ایدئولوژیک ارزش‌محور عمل‌گرا را در سطح منطقه‌ای به‌خوبی به نمایش گذاشت.



## ۲-۲. فلسطین

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و چیرگی خرده‌گفتمان آرمان‌گرای ارزش‌محور، تأثیر این حرکت مردمی به رهبری امام خمینی در فلسطین بسیار مشهود است، به طوری که امام خمینی به فلسطینیان امید تازه‌ای بخشید و به آنان اطمینان داد با الهام از اسلام به پا خاسته و حکومت دلخواه خود را برقرار سازند.<sup>(۴۰)</sup> همچنین دال انقلاب اسلامی در این خرده‌گفتمان بحران فلسطین را از یک مسئله ناسیونالیستی به مسئله‌ای اسلامی تبدیل کرد، به طوری که انتفاضه مردم فلسطین متأثر از انقلاب اسلامی با تکیه بر وحدت دینی و ملی برای آزادی قدس بپا شد و ضمن پیروی از شیوه‌های انقلاب اسلامی، گردهمایی سیاسی جدیدی را در قالب جنبش اسلامی و حماس پدید آورد.<sup>(۴۱)</sup> امام خمینی نیز در راستای دفاع از حقوق ملت فلسطین و مبارزه با جنایات رژیم صهیونیستی و به چالش کشیدن مناسبات بین‌المللی، در سخنانی خطاب به جنبش‌های آزادی‌بخش جهان فرمود:

«ای رؤسا و نمایندگان کشورهای اسلامی گردآمده در الجزایر عزیز! بیاید متحد شویم و دست شرقی‌ها و غربی‌ها و در رأس آنها آمریکا و اسرائیل را قطع کنیم تا حقوق ملت فلسطین را بازگردانیم.»<sup>(۴۲)</sup>

بنابراین در چهارچوب خرده‌گفتمان آرمان‌گرای ارزش‌محور، دفاع عملی از ملت مظلوم فلسطین در راستای دکتورین صدور انقلاب معنا می‌یابد. در خرده‌گفتمان ایدئولوژیک ارزش‌محور عمل‌گرای احمدی‌نژاد نیز دفاع از ملت فلسطین در قالب دال اسلامیت و مبارزه با رژیم صهیونیستی و حامیان آن، به عنوان نمادی از دال چالش با مناسبات نظام بین‌الملل همانند خرده‌گفتمان آرمان‌گرای ارزش‌محور با جدیت بیشتری دنبال شد. آمریکا و اسرائیل به منظور مقابله با نفوذ ایران در تحولات فلسطین و قطع حمایت این کشور از جنبش حماس، در ۷ نوامبر ۲۰۰۷ میلادی کنفرانس آنابولیس را با حضور ۵۰ کشور جهان از جمله ۱۶ کشور عربی برگزار کردند. خالد مشعل رئیس دفتر سیاسی حماس در واکنش به این اجلاس گفت:

«از کنفرانس آنابولیس دولت فلسطینی بیرون نخواهد آمد. هدف کنفرانس آنابولیس پوششی برای جنگ در آینده برای منطقه است. این مذاکرات کمکی به

آمال و آرزوهای مردم فلسطین نمی‌کند و صرفاً در خدمت منافع اسرائیل قرار دارد». (۳۳)

همچنین شموئیل روزنر نویسنده روزنامه هآرتص ضمن ابراز نارضایتی از نتایج اجلاس آنابولیس می‌گوید:

«اگر اجلاس سران برای امضای توافقنامه اسلو، اجلاس آمال و آرزوها بود، اجلاس سران در آنابولیس، اجلاس ترس بود، ترس از شکست و حاکمیت نیروهای تندرو در فلسطین». (۳۴)

رهبر انقلاب نیز در واکنش به برگزاری اجلاس آنابولیس، آن را کنفرانس پاییزی می‌داند که همان‌طور که از نامش پیداست، خزان‌زده و شکست‌خورده خواهد بود. (۳۵)

### ۳. سطح کلان

منظور از سطح کلان و تأثیر خرده‌گفتمان‌های گفته‌شده در آن قدرت‌های بزرگ از جمله امریکا و انگلیس است. در ادامه نحوه مواجهه این دو خرده‌گفتمان در ارتباط با قدرت‌های بزرگ - و به گمان هریک از این دو خرده‌گفتمان، قدرت‌های استکباری - مورد بررسی و کنکاش قرار می‌گیرد.

#### ۱-۳. امریکا

محورهای اساسی تضاد دو خرده‌گفتمان آرمان‌گرای ارزش‌محور و ایدئولوژیک ارزش‌محور عمل‌گرا، امریکاست که به دلیل اهمیت این مبحث، اشاره به دو برهه تاریخی تسخیر سفارت امریکا و پرونده هسته‌ای ضروری است تا به این طریق ابعاد تأثیر و تأثر انقلاب اسلامی در مواجهه با امریکا روشن‌تر شود.

#### الف - تسخیر سفارت امریکا

یکی از بارزترین جلوه‌های چالش خرده‌گفتمان آرمان‌گرای ارزش‌محور با نظام بین‌الملل، چالش با امریکا و قطع نفوذ چندین ساله این کشور در ایران بود که منجر به تسخیر سفارت امریکا در تهران شد.

این حادثه که نقطه آغاز سیطره خرده‌گفتمان آرمان‌گرای ارزش‌محور است، به

تنش در روابط تهران - واشنگتن منجر شد و پیامدهای سیاسی، نظامی و اقتصادی فراوانی را به همراه داشت. در بُعد سیاسی پس از این ماجرا دولت موقت مهندس بازرگان استعفا داد و شورای انقلاب، اداره امور کشور را به دست گرفت. همچنین این حادثه زمینه‌ساز تحقیر امریکا در عرصه بین‌المللی شد و شکست کارتر را در انتخابات ریاست‌جمهوری امریکا به دنبال داشت<sup>(۷۶)</sup> به طوری که کارتر خطاب به یک گروه از اعضای کنگره که به دیدار او آمده بودند، اظهار داشت: «حیثیت ملی اعاده نخواهد شد».<sup>(۷۷)</sup>

در بعد نظامی مارک فرگوسن و هولبرگ که در دولت جانسون و کارتر، پست‌های حساسی داشتند، در خصوص بحران تسخیر سفارت می‌گویند: «در حقیقت بحران گروگان‌ها امریکا را که در اثر انقلاب ایران گیج شده بود، مانند دیگ آبی به نقطه جوش کامل رساند. هلی‌کوپترهای در حال سوختن در صحرای طبس نماد عدم توانایی امریکا در به دست آوردن هدف بسیار محدودی شده بود که همانا آزادی شهروندانش از کنترل یک ملت درجه سه بود».<sup>(۷۸)</sup>

در بعد اقتصادی، دولت امریکا زمانی که تصمیم رهبر انقلاب را در حمایت از دانشجویان مصمم دید، در نهمین روز اشغال سفارت، واردات نفت ایران را متوقف و ده روز بعد کلیه دارایی‌های رسمی ایران را در بانک‌های امریکا توقیف کرد.<sup>(۷۹)</sup> همچنین وزیر خارجه امریکا بر اساس دستورالعمل کارتر، برابر بخشودگی قانون مهار صدور تسلیحات، مانع ارسال محموله‌ای به ارزش ۲۰۰ میلیون دلار شامل قطعات یدکی نظامی به ایران شد، درحالی که بهای این سفارش پرداخت شده بود؛ بنابراین دولت امریکا نگران تسری اقدامات صورت‌پذیرفته در ایران به سایر کشورهای اسلامی بود.<sup>(۸۰)</sup> از نگاه مقامات امریکایی اگر اقدام دانشجویان ایرانی از جانب دانشجویان سایر کشورهای اسلامی الگو قرار می‌گرفت، در آن صورت دولت کارتر با احساسات ضد امریکایی در گستره وسیعی از خاورمیانه روبه‌رو می‌شد.<sup>(۸۱)</sup> جیمز بیل و مقامات وابسته به سرویس اطلاعات خارجی امریکا (سیا) در تحلیل شکست امریکا در جریان تسخیر سفارت، بر تأکید بیش از حد مقامات امریکا بر میانه‌روها و غفلت آنان از نقش و جایگاه محوری امام خمینی صحه گذاردند.<sup>(۸۲)</sup> سرانجام بحران تسخیر سفارت امریکا بعد از ۴۴۴ روز، با آزادی

گروگان‌ها به فرمان امام خمینی همزمان با روی کار آمدن ریگان جمهوری خواه به پایان رسید. این بحران هزینه‌های سنگینی را برای امریکا در عرصه مناسبات بین‌المللی به بار آورد.

ب - پرونده هسته‌ای

در خرده‌گفتمان ایدئولوژیک ارزش‌محور عمل‌گرای احمدی‌نژاد، مسئله چالش با هژمونی امریکا در نظام بین‌الملل همانند چالش خرده‌گفتمان آرمان‌گرای ارزش‌محور با این کشور همچنان تداوم یافت. با روی کار آمدن احمدی‌نژاد و تحولات سیاسی جدید در کشور و تغییر تیم هسته‌ای، پرونده هسته‌ای به سمت وسوی جدیدی سوق پیدا کرد. بر این اساس، خط‌مشی دولت نهم در خصوص برنامه هسته‌ای بر سه پایه شکل‌گرفت: ۱) رویکرد به بازیگران جدید نظیر چین و روسیه و خارج کردن انحصار پرونده و مذاکرات از دست سه کشور اروپایی؛ ۲) خارج کردن پرونده از مجاری صرفاً سیاسی و قرار دادن آن در چهارچوب معاهده‌های حقوقی و در دایره آژانس بین‌المللی بر اساس اسناد چهارگانه معاهده NPT اساسنامه آژانس، پادمان و پروتکل الحاقی؛ ۳) قاطعیت در حفظ چرخه سوخت هسته‌ای و ازسرگیری بخشی از فعالیت‌های هسته‌ای به صورت داوطلبانه که در دوره اعتمادسازی به حال تعلیق درآمده بود.<sup>(۸۳)</sup>

دره‌رحال در مقابل دیپلماسی تهاجمی ایران، اروپا و امریکا، واکنش‌های منفی ابراز داشتند و تهدید کردند مسیر پرونده را به سمت نیویورک عوض خواهند کرد؛ بنابراین تلاش‌ها برای ارائه گزارش پرونده ایران به شورای امنیت به صورت جدی‌تری آغاز شد. با وجود رایزنی‌های گسترده ایران با چین و روسیه، این دو کشور بیانیه نشست دوم لندن را برای گزارش به شورای امنیت امضا کردند. با انتشار این گزارش احمدی‌نژاد طی نامه‌ای به رئیس سازمان انرژی اتمی ایران دستور داد، بر اساس مصوبه مجلس شورای اسلامی تمام تعلیقات داوطلبانه برداشته شود؛ از طرف دیگر نامه‌ای مبنی بر رفع تعلیق به مدیرکل آژانس انرژی اتمی ارسال شد. به دنبال این نامه شورای حکام آژانس اتمی سومین قطعنامه علیه ایران را با اجماع و خلاف رویه‌های معمول تصویب نمود. مدیرکل آژانس انرژی اتمی پرونده را به

شورای امنیت ارجاع داد. اعضای شورای امنیت نیز راه مذاکره با ایران را در پیش گرفتند اما ایران بر حفظ حقوق خود تأکید و هر گونه مصالحه بر سر آن را رد نمود. به دنبال این جریان، اعضای ۵+۱ با جوسازی فراوان، قطعنامه ۱۶۹۶ شورای امنیت علیه ایران را صادر کردند. به دنبال صدور این قطعنامه، امریکا دوباره گفتمان جنگ‌طلبی را در مقابل ایران انتخاب کرد. بسیاری از تحلیلگران، شورای امنیت را ایستگاه آخر عنوان نمودند و ایران را در آستانه بحرانی عظیم دیدند. اما استراتژی کلان نظام با برداشتن خط قرمزی به نام مذاکره با امریکا شرایط را به گونه‌ای دیگر رقم زد. نامه احمدی‌نژاد به بوش رئیس‌جمهور امریکا که بسیاری آن را نامه‌ای فلسفی و فاقد پیام توصیف کردند، توانست ضمن برهم زدن اجماع اعضای ۵+۱ و خنثی کردن تبلیغات صهیونیست‌ها، زمینه همکاری میان ایران و امریکا را در خصوص عراق فراهم نماید. به طوری که روزنامه القبس با اشاره به ابتکار احمدی‌نژاد در نامه‌نگاری به بوش نوشت:

«مقامات ایران توانستند درباره پرونده هسته‌ای جریان امور را از زبان تنش به زبان گفت‌وگوی آرام دیپلماتیک سوق دهند».<sup>(۸۴)</sup>

با رد قطعنامه ۱۶۹۶ شورای امنیت، زمینه برای صدور قطعنامه ۱۷۳۷ شورای امنیت فراهم شد. احمدی‌نژاد در واکنش به این قطعنامه آن را یک کاغذپاره توصیف کرد و در واکنش به تحریم قطعات هسته‌ای و موشک‌های دوربرد شورای امنیت علیه ایران گفت:

«ما اصلاً چیزی از شما نخواستیم. دیگر ندهید. از شما به خاطر این مسئله تشکر می‌کنم».<sup>(۸۵)</sup>

بنابراین به دنبال اصرار ایران بر حق دستیابی به فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای و عدم تعلیق غنی‌سازی اورانیوم، شورای امنیت سازمان ملل متحد با اجماع آرا و طی قطعنامه ۱۷۴۷، در ۲۴ مارس ۲۰۰۷ تحریم‌های جدیدی را علیه ایران تصویب نمود.<sup>(۸۶)</sup>

همچنین نامه احمدی‌نژاد به *اوباما* رئیس‌جمهور منتخب امریکا از دیگر اقدامات دولت نهم جهت بازی هدفمند دیپلماتیک با کارت امریکاست. در هر حال دیپلماسی هسته‌ای ایران در دولت نهم توانست با بهره‌گیری از حمایت توده‌ای،

اختلاف‌افکنی میان ۵+۱ در مواقع بحرانی و بازی با گزینه روسیه و چین،<sup>(۸۷)</sup> به مدیریت این پرونده که تاکنون مفتوح است، بپردازد.

۲-۳. انگلیس

علاوه بر مخالفت با امریکا، هر دو خرده‌گفتمان آرمان‌گرای ارزش‌محور و ایدئولوژیک عمل‌گرا تضاد بنیادینی با استعمار انگلیس نشان داده‌اند که در دو موضوع حکم ارتداد سلمان رشدی و دستگیری ۱۵ نفر از ملوانان انگلیسی متعرض به آب‌های ساحلی ایران، خود را نمایان ساخته است.

الف - فتوای ارتداد سلمان رشدی

فتوای ارتداد سلمان رشدی به یکی از عوامل تنش‌زا میان ایران و انگلیس منجر شد. کلیم صدقی از مهاجران بنگلادشی مقیم انگلیس که با بهره‌گیری از حمایت‌های مالی ایران به تبلیغ انقلاب اسلامی می‌پرداخت، در یکی از سفرهایش، داستان کوتاه «آیات شیطانی» را به ایران آورد. این داستان که بر پایه حدیث بی‌اعتبار غرائیق استوار بود و سلمان رشدی آن را به سبک قصه بازخوانی کرده بود،<sup>(۸۸)</sup> واکنش امام خمینی را برانگیخت، به طوری که ایشان چنین نوشتاری را از سوی یک مسلمان‌زاده، مصداق بارز ارتداد فطری دانستند و با صدور فتوای ارتداد وی فرمودند:

«به اطلاع مسلمانان غیور سراسر جهان می‌رسانم مؤلف کتاب آیات شیطانی که علیه اسلام و پیامبر و قرآن تنظیم و چاپ و منتشر شده، همچنین ناشران مطلع از محتوای آن، محکوم به اعدام می‌باشند. از مسلمانان غیور می‌خواهم در هر نقطه که آنان را یافتند، سریعاً آنها را اعدام کنند تا دیگر کسی جرئت نکند به مقدسات توهین نماید. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته روح الله الموسوی الخمینی».<sup>(۸۹)</sup>

چنین فتوایی نمایانگر چالش عظیم علیه نظام بین‌الملل بود. به همین دلیل دولت‌های غربی و رسانه‌های جمعی برون‌مرزی در برابر چنین فتوایی جبهه گرفتند و اسلام اصول‌گرا را هدف تعرض تبلیغاتی خود قرار دادند. همچنین تمام افراد و گروه‌های سیاسی، فرهنگی و حتی مذهبی نیز صدور چنین فتوایی را نشانه‌ای از نبود تسامح و تساهل دینی و فرهنگی در بین مسلمانان تلقی کردند اما در مقابل این

اظهارات و موضع‌گیری‌ها، تمامی مسلمانان جهان، صرف‌نظر از تعلقات ملی، نژادی، مذهبی، زبانی و فرهنگی به صورت یکپارچه مواضع واحدی علیه توهین به مقدسات دینی خود اتخاذ کردند.<sup>(۹۰)</sup>

ب - دستگیری ملوانان انگلیسی

دستگیری ۱۵ ملوان انگلیسی در سوم فروردین ۱۳۸۶ موجبات تنش در روابط ایران و انگلیس را فراهم کرد. این حادثه چند ساعت بعد از تصویب و صدور قطعنامه ۱۷۴۷ شورای امنیت، در همان نخستین دقایق به سرعت در صدر اخبار جهان قرار گرفت و توجه جهانیان را به خود جلب کرد.

دولت انگلیس در واکنش به این ماجرا موضوع را به شورای امنیت ارجاع داد. اعضای شورای امنیت نیز نسبت به بازداشت ۱۵ خدمه نیروی دریایی انگلیس توسط پاسداران انقلاب اسلامی ابراز نگرانی کرد و از دولت ایران خواست، اجازه دسترسی به ملوانان انگلیسی را صادر کند. همچنین تصویب بیانیه‌ای شدید در محکومیت ایران، به دنبال مخالفت روسیه ناکام ماند.<sup>(۹۱)</sup>

در حال بازداشت ملوانان انگلیسی توسط ایران نشان می‌دهد ظرفیت‌های طرف ایرانی برای ضربه زدن به طرف مقابل در ابعاد مختلف رسانه‌ای، روانی و حتی نظامی، متنوع و غیر قابل پیش‌بینی بوده و الزاماً از کانال‌ها و هنجارهای معمول و قابل انتظار غرب و جهان نخواهد بود و اصولاً تاکتیک‌های ایران در شرایط جدید بر این اساس آرایش گرفته‌اند.<sup>(۹۲)</sup>

در حال عمده‌ترین تاکتیکی که ایران با استفاده از دستگیری ملوانان انگلیسی به آن متوسل شد، انحراف اذهان عمومی جهان از فعالیت‌های هسته‌ای به مسئله دستگیری ملوانان انگلیسی بود؛ چراکه طی دو هفته مسئله فعالیت‌های اتمی ایران در سکوت برگزار شد و واکنشی را از سوی مجامع جهانی برنیانگیخت؛<sup>(۹۳)</sup> بنابراین گذشت زمان و تدریجی شدن این مسئله به نفع طرف مقابل بود که دیپلماسی نظام با توجه به تجربه اشغال سفارت آمریکا در سال ۱۳۵۸ و در نهایت جریان قرارداد الجزایر که هزینه‌های زیادی را در پی داشت، با سرعت عمل هرچه تمام‌تر، ۱۵ ملوان انگلیسی را آزاد کرد.<sup>(۹۴)</sup>

### نتیجه‌گیری

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دو مقطع ۶۸-۱۳۶۰ و ۱۳۸۴ تاکنون به دلیل حمایت از آرمان وحدت اسلامی، تکیه بر هویت اسلامی و ماهیت اسلامی دولت، تعقیب اهداف اسلام‌گرایانه، حمایت از صدور انقلاب و به چالش کشیدن ساختارها، هنجارها و نهادهای بین‌المللی، مشابه یکدیگرند. در عرصه رفتاری نیز سیاست خارجی این دو خرده‌گفتمان به دلیل نگاه هویتی به محیط پیرامونی، از رویهٔ یکسانی برخوردارند. به‌طوری‌که در سطح کشورهای همسایه و آن هم در افغانستان و عراق، رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در این دو مقطع به‌رغم تمایزهای جزئی، نوعی همسانی را نشان می‌دهد. مثلاً در افغانستان، ایران در ابتدا در قالب خرده‌گفتمان آرمان‌گرای ارزش‌محور در قالب دال هویت اسلامی و مبارزه با مناسبات ناعادلانهٔ بین‌المللی از دو گروه شیعه و سنی، در برابر شوروی حمایت کرد اما بعدها این حمایت بر اقلیت ۱۵ درصدی شیعه این کشور متمرکز شد؛ اما در خرده‌گفتمان ایدئولوژیک ارزش‌محور عمل‌گرا از نفوذ تاریخی ایران نسبت به دورهٔ حاکمیت خرده‌گفتمان آرمان‌گرای ارزش‌محور کاسته شد و ایران با نگاه استراتژیک به حمایت از شوروی نظار در افغانستان روی آورد. در این خرده‌گفتمان همانند خرده‌گفتمان آرمان‌گرای ارزش‌محور، ستیزش با سلطه آمریکا در افغانستان کاملاً مشهود است. در عراق آن هم در زمان سیطرهٔ خرده‌گفتمان آرمان‌گرای ارزش‌محور در راستای دال محوری آرمان‌گرایی اسلامی و اتحاد اسلامی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به حمایت از گروه‌های شیعی در عراق متمایل شد که به دلیل دیکتاتوری صدام، حمایت‌های ایران مؤثر نیفتاد و دولت بعث به سرکوب گستردهٔ شیعیان در شهرهای نجف و کربلا پرداخت اما در قالب خرده‌گفتمان ایدئولوژیک ارزش‌محور عمل‌گرا، به دلیل خلأ قدرت ناشی از سقوط صدام، سیاست خارجی در عرصه رفتاری ضمن رویکرد ارزشی و ایدئولوژیک مبتنی بر حمایت از گروه‌های شیعی، از توان مانور بیشتری نسبت به خرده‌گفتمان آرمان‌گرای ارزش‌محور در زمین عراق برخوردار است، به‌طوری‌که آمریکا برای سامان‌بخشی به امور عراق تاکنون چندین دور مذاکره با ایران انجام داده است.



تأثیرات هر دو خرده‌گفتمان آرمان‌گرای ارزش‌محور و ایدئولوژیک ارزش‌محور عمل‌گرا در سطح کشورهای خاورمیانه از جمله لبنان و فلسطین نیز از شباهت‌های زیادی برخوردار است. در تحولات لبنان در راستای هویت اسلامی و ماهیت فرامرزی انقلاب اسلامی ایران، سیاست خارجی در دو مقطع ۶۸-۱۳۶۰ و ۱۳۸۴ تاکنون به حمایت از حزب‌الله لبنان پرداخته است. همچنین از حیث تئوریک، نظریه ولایت فقیه که نمادی از مشروعیت الهی دولت در دیدگاه آرمان‌گرایان اسلامی و نیروهای ارزشی در خرده‌گفتمان ایدئولوژیک ارزش‌محور عمل‌گراست، در لبنان به کار گرفته شد. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از مقطع ۱۳۸۴ تاکنون به حمایت آشکار از حزب‌الله در جنگ ۳۳ روزه پرداخته است. همچنین هریک از دو خرده‌گفتمان مورد بحث، در قالب دال نظام بین‌الملل به مبارزه عقیدتی با رژیم صهیونیستی پرداختند. هر کدام از خرده‌گفتمان‌های آرمان‌گرای ارزش‌محور و ایدئولوژیک ارزش‌محور عمل‌گرا از دقایق رفتاری مشابهی در تحولات فلسطین برخوردارند. در خرده‌گفتمان آرمان‌گرای ارزش‌محور، امام خمینی در اقدامی تاریخی در راستای دال آرمان‌گرایی اسلامی و ماهیت فرامرزی انقلاب اسلامی و چالش با نظام بین‌الملل و در راستای حمایت از مردم فلسطین، جمعه آخر ماه مبارک رمضان را روز جهانی قدس اعلام کرد و همه مسلمانان جهان را به حمایت از ملت مظلوم فلسطین فراخواند.

نفوذ معنوی و عملی ایران در قالب خرده‌گفتمان ایدئولوژیک ارزش‌محور عمل‌گرا در تحولات فلسطین همچنان ادامه دارد. امریکا و اسرائیل سعی کردند برای بی‌اثر کردن نفوذ ایران در فلسطین، کنفرانس آنابولیس را برگزار کنند که در نهایت این کنفرانس به دستاورد معینی منتهی نشد.

چالش با امریکا به عنوان یک قدرت مسلط، سرلوحه برنامه کاری هر دو خرده‌گفتمان آرمان‌گرای ارزش‌محور و ایدئولوژیک ارزش‌محور عمل‌گراست. در اوایل انقلاب، نیروهای ارزشی با تسخیر سفارت امریکا نارضایتی خود را از نظم نامطلوب جهانی به نمایش گذاشتند. اما این چالش نیز در خرده‌گفتمان احمدی‌نژاد تداوم پیدا کرد؛ به طوری که تحریم‌های پیاپی شورای امنیت علیه ایران، نشانگر مخالفت سیاست خارجی در مقطع کنونی با ساختارها، ضابطه‌ها و نهادهای

بین‌المللی است. اما در خرده‌گفتمان ایدئولوژیک ارزش‌محورِ عمل‌گرا برخلاف خرده‌گفتمان آرمان‌گرای ارزش‌محور، سیاست خارجی در مواردی مانند نامه احمدی‌نژاد به بوش رئیس‌جمهور آمریکا رویکردی تعاملی با آمریکا در پیش گرفت. همچنین هر دو خرده‌گفتمان مذکور در راستای دال نظام بین‌الملل به مخالفت جدی با سیاست‌های انگلیس پرداختند. به‌طوری‌که فتوای قتل سلمان رشدی توسط امام خمینی و ماجرای دستگیری ملوانان انگلیسی نمونه‌بارزی از سازش‌ناپذیری خرده‌گفتمان‌های آرمان‌گرای ارزش‌محور و ایدئولوژیک ارزش‌محورِ عمل‌گرا با مناسبات بین‌المللی است.

در حال دو خرده‌گفتمان آرمان‌گرای ارزش‌محور و ایدئولوژیک ارزش‌محورِ عمل‌گرا از جهت نگاه هویتی به محیط پیرامون، اتخاذ رویکرد تهاجمی نسبت به غیر بیرونی یعنی آمریکا و انگلیس در راستای دال استکبارستیزی، حساسیت نسبت به تحولات لبنان، فلسطین، افغانستان و عراق به منظور احیای دال دفاع از مظلوم، مشابه یکدیگرند. اما مصادیقی مانند محوریت امام خمینی در گفتمان آرمان‌گرای ارزش‌محور، فضای دوقطبی حاکم بر این خرده‌گفتمان، برقراری رابطه‌ی مجدد با آمریکا در موضوع عراق و نامه‌ی احمدی‌نژاد به بوش مؤید تمایزهای جزئی این دو خرده‌گفتمان نسبت به یکدیگر است. \*

پی‌نوشت‌ها

۱. نگاه کنید به: محمدرضا تاجیک، «متن، وانموده و تحلیل گفتمان (۲)»، فصلنامه سیاسی، اجتماعی گفتمان، تابستان ۱۳۷۷، ش ۱، ص ۹.
۲. همان، ش صفر، ص ۱۱-۱۰.
۳. همان، ش ۱، ص ۱۴.
۴. سید علی اصغر سلطانی، «تحلیل گفتمان به مثابه نظریه و روش»، نشریه علوم سیاسی، زمستان ۱۳۸۳، سال هفتم، ش ۲۸، ص ۱۲۷.
۵. قیصری، نورالله، «گفتمان سیاسی حضرت امام خمینی و گفتمان‌های رقیب»، پژوهشنامه متین، فصلنامه پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، بهار ۱۳۸۵، سال هشتم، ش ۳۰، ص ۱۵۰-۱۴۷.
۶. نگاه کنید به محمدرضا تاجیک، «گفتمان، سیاست و اجتماع»، فصلنامه سیاسی - اجتماعی گفتمان، تابستان ۱۳۸۲، ش ۸، ص ۵۲.
۷. حسین بشیریه، دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی دوره جمهوری اسلامی، (تهران: نشر نگاه معاصر، ۱۳۸۱)، ص ۶۳.
۸. سید علی اصغر سلطانی، تحلیل گفتمان به مثابه نظریه و روش، پیشین، ص ۱۲۴.
۹. جری استوکر و دیوید مارش، روش و نظریه در علوم سیاسی، مترجم: امیرمحمد حاجی‌یوسفی، (تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۱)، ص ۲۰۷.
۱۰. همان، ص ۲۰۵.
۱۱. همان، ص ۲۰۷.
12. Hamid Ahmadi, *Foreign Policy of Islamic Republic of Iran: Rational or Irrational*, (Carleton: University, Canada).
۱۳. نورالله قیصری، گفتمان سیاسی حضرت امام خمینی و گفتمان‌های رقیب، پیشین، ص ۱۵۸.
۱۴. احمد صادقی، «تبارشناسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، جایگاه هویت، فرهنگ و تاریخ»، فصلنامه سیاست خارجی، تابستان ۱۳۸۷، سال ۲۲، ش ۲، ص ۲۵۹.
۱۵. همان، ص ۲۵۹.
۱۶. همان، ص ۲۶۰.
۱۷. ر. ک به: جلال دهقانی فیروزآبادی، «گفتمان اصولگرای عدالت‌محور در سیاست

- خارجی دولت آقای احمدی نژاد»، *دانش سیاسی*، فصلنامه علمی - تخصصی علوم سیاسی، سال سوم، بهار و تابستان سال سوم، ۱۳۸۴، ش ۵، ص ۶۸.  
۱۸. همان.
۱۹. نگاه کنید به: عبدالله امیری، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، (تهران: مؤسسه نشر علوم نوین، ۱۳۸۵)، ص ۵۵ و ۵۶.
۲۰. ر. ک به: جلال دهقانی فیروزآبادی، *تحول گفتمانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی*، (تهران: مؤسسه انتشارات ایران، ۱۳۸۴)، ص ۷۹.
۲۱. *صحیفه امام خمینی*، جلد ۲۱، (تهران: مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی، ۱۳۷۹)، ص ۹۱.
۲۲. ر. ک به: جلال دهقانی فیروزآبادی، *تحول گفتمانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی*، پیشین، ص ۸۲.
۲۳. همان، ص ۸۱.
۲۴. همان، ص ۸۵.
۲۵. همان، ص ۸۵.
۲۶. همان، ص ۸۸.
۲۷. پیام امام خمینی به مناسبت اولین سالگرد پیروزی انقلاب. (به نظرم باید منبع کامل شود، اینکه از کدام منبع برداشت شده. در غیر این صورت بهتر است فوت‌نوت باشد).
۲۸. *روزنامه اطلاعات*، مورخه ۱۳۶۰/۳/۲۳.
۲۹. جلال دهقانی فیروزآبادی، *تحول گفتمانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، پیشین، ص ۹۱.
۳۰. همان، ص ۹۲.
۳۱. همان، ص ۹۲.
۳۲. *صحیفه نور*، جلد ۲۱، (تهران: مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی، ۱۳۷۹)، ص ۱۰۸.
۳۳. علیرضا ازغندی، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، (تهران: نشر قومس، ۱۳۸۱)، ص ۱۴.
۳۴. همان، ص ۱۵.
۳۵. ر. ک به: جلال دهقانی فیروزآبادی، *گفتمان اصولگرای عدالت‌محور در سیاست خارجی دولت آقای احمدی نژاد*، پیشین، ص ۷۰ و ۳۸.
36. <http://www.irannewsagency.ir/view.aspx?ID report=15>
۳۷. حسین سیف‌زاده، «آسیب‌شناسی سیاست خارجی ایران چهارچوبی برای ساماندهی طرز تلقی‌ها»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، ش ۶۹، پاییز ۱۳۸۴، ص ۱۵۸.
۳۸. *گفتمان اصولگرای عدالت‌محور در سیاست خارجی دولت آقای احمدی نژاد*، پیشین، ص ۴۸.

۳۹. منوچهر متکی، سیاست خارجی دولت نهم، یک سال بعد، (تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک خاورمیانه، ۱۳۸۵)، ۱۳ مهر ۱۳۸۵، سخنرانی وزیر امور خارجه در این مرکز.
۴۰. جلال دهقانی فیروزآبادی، گفت‌وگو با اصولگرای عدالت‌محور در سیاست خارجی دولت آقای احمدی‌نژاد، پیشین، ص ۷۱.
۴۱. همان، ص ۷۶.
۴۲. سخنرانی رهبری در جمع مسئولان وزارت امور خارجه، روزنامه ایران، ۸۶/۵/۳۰.
۴۳. جلال دهقانی فیروزآبادی، گفت‌وگو با اصولگرای عدالت‌محور در سیاست خارجی دولت آقای احمدی‌نژاد، پیشین، ص ۸۰.
۴۴. همان، ص ۸۲.
۴۵. اولین کنفرانس خبری احمدی‌نژاد، جراید چهارم و پنجم تیر ماه ۱۳۸۴.
۴۶. جلال دهقانی فیروزآبادی، گفت‌وگو با اصولگرای عدالت‌محور در سیاست خارجی دولت آقای احمدی‌نژاد، پیشین، ص ۸۴.
۴۷. همان، ص ۸۶.
۴۸. همان، ص ۱۰.
49. [www.xomreviews.com/gofteman.com](http://www.xomreviews.com/gofteman.com)
۵۰. نگاه کنید به: گفت‌وگو با حجت‌الاسلام سید هادی خسروشاهی، «بود و نمود انقلاب اسلامی در کشورهای مسلمان»، فصلنامه مطالعات تاریخی، مؤسسه مطالعات پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۴، ص ۷۱.
۵۱. همان، ص ۷۱.
۵۲. اصغر افتخاری، «تأثیرات انقلاب اسلامی در گستره جهانی»، نامه پژوهش، سال سوم، ش ۱۰ و ۱۱، ۱۳۷۷، ص ۲۳۷.
۵۳. همان، ص ۲۴۰.
۵۴. همان، ص ۲۴۰.
۵۵. عزیز نوری، پیدا و پنهان سفر سپنتا به ایران، [www.persianblog.com](http://www.persianblog.com)
56. Philip Robin, Iran Revolutionary Threat and Regime Response the Iranian Revolution: its Globale Impact, *Op.cit*, P. 33 & 39.
۵۷. اصغر افتخاری، تأثیرات انقلاب اسلامی در گستره جهانی، پیشین، ص ۲۲۲.
۵۸. همان، ص ۲۲۳.
59. Robin, Philip, *Ibid*, p. 4.
۶۰. نگاه کنید به: علیرضا زهیری، «تأثیر فرهنگ سیاسی ایرانیان بر سیاست خارجی»، فصلنامه علوم سیاسی، ش ۸، بهار ۱۳۷۹، ص ۱۶۹.
۶۱. گفت‌وگو با حجت‌الاسلام سید هادی خسروشاهی، پیشین، ص ۷۳.
۶۲. دور دوم مذاکرات ایران و امریکا،
- [www.newsletterarchive.org/.../visual+link+Spanish\(tm\)/?8](http://www.newsletterarchive.org/.../visual+link+Spanish(tm)/?8)
۶۳. نگاه کنید به: ابوالقاسم دل‌انگیز، «کنکاشی در بحران لبنان، ریشه‌ها و چشم‌اندازها»، ماهنامه عالی دفاع ملی، ۱۳۸۵، ش ۷۳، ۷۲، ۷۱، ص ۲۰۶.

۶۴. همان، ص ۲۳۰.
۶۵. نگاه کنید به: منوچهر محمدی، *آینده نظام بین‌الملل و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، (تهران: دانشکده روابط بین‌الملل، زمستان ۱۳۸۶)، ص ۳۵.
۶۶. ابوالقاسم دل‌انگیز، کنکاشی در بحران لبنان... پیشین، ص ۱۱۲.
67. <http://www.magiran.com/fulltextlist.asp>
۶۸. محمدتقی حیدری، ۱۳۸۵/۵/۱۰، «بی‌تردید حزب‌الله پیروز است»، *روزنامه جمهوری اسلامی*، ص ۱۴.
۶۹. ابوالقاسم دل‌انگیز، کنکاشی در بحران لبنان... پیشین، ص ۱۱۴.
۷۰. همان، ص ۱۰۸.
۷۱. همان، ص ۱۱۰-۱۰۸.
۷۲. سید احمد، رفعت، «دیدگاه امام خمینی نسبت به شرایط جنبش اسلامی معاصر»، *مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی تبیین انقلاب اسلامی*، (تهران: نشر عروج، بهار ۱۳۸۲)، ص ۸۴.
۷۳. «مصاحبه خالد مشعل با سازمان الزمان»، *روزنامه قدس*، سه‌شنبه ۲۳ آبان ۱۳۸۵.
۷۴. نگاه کنید به: حمیدرضا دهقانی، «موضوع فلسطین در طرح‌های صلح خاورمیانه»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال ۲۲، ش ۲، تابستان ۱۳۸۷، ص ۵۶۶.
۷۵. همان، ص ۵۶۴.
۷۶. منوچهر محمدی، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، اصول و مسائل*، (تهران: نشر دادگستر، ۱۳۸۴)، ص ۱۱۵-۱۱۳.
۷۷. نگاه کنید به: مراد عنادی، «حزب دموکرات و جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال بیستم، ش ۲ و ۳، تابستان ۱۳۸۵، ص ۳۰۲.
78. C. P. Ioannides, *Americais-Iran, Ingury and Catharsis*, (University Press of American, 1984), P. 139.
۷۹. منوچهر محمدی، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران... پیشین*، ص ۱۱۶-۱۱۴.
۸۰. مراد عنادی، *حزب دموکرات و جمهوری اسلامی ایران*، پیشین، ص ۳۰۰.
۸۱. جیمز بیل، عقاب و شیر (تراژدی روابط ایران و امریکا)، مترجم: مهوش غلامی، (تهران: معارف، ۱۳۷۱)، ص ۴۴۲.
۸۲. همان، ص ۴۹.
۸۳. رجوع کنید به: سارا فلاحی، «بررسی مقایسه‌ای دیپلماسی هسته‌ای دوران ریاست جمهوری محمد خاتمی و محمود احمدی‌نژاد (تا پایان قطعنامه ۱۷۴۷ شورای امنیت)»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، بهار ۱۳۸۶، ش ۶، ص ۶۷.
۸۴. *روزنامه کیهان*، ۱۳۸۵/۳/۱۰، ش ۷۷۴، ص ۳۰.
۸۵. *روزنامه آفتاب یزد*، ۱۳۸۵/۱۰/۴، ش ۱۹۷۴، ص ۲۰.
۸۶. سارا فلاحی، *بررسی مقایسه‌ای دیپلماسی هسته‌ای دوران ریاست جمهوری... پیشین*، ص ۷۵.

۸۷. همان، ص ۷۷-۷۶.

۸۸ نگاه کنید به: سید حسن امین، «امام خمینی و نظام بین‌الملل»، مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی تبیین انقلاب اسلامی، (تهران: عروج، ۱۳۸۲)، ص ۱۶۳-۱۶۴.  
۸۹ صحیفه امام، جلد ۲۱، (تهران: مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی، ۱۳۷۹)، ص ۲۶۳.

۹۰. سید حسن امین، امام خمینی و نظام بین‌الملل، پیشین، ص ۱۶۴.

91. [www.kermanma.com](http://www.kermanma.com)

۹۲. بهمن هدایتی، «اقدام پیشگیرانه ایران برای دفاع از حاکمیت ملی: فرصت‌ها و تهدیدها»، ۱۳۸۶.

[www.alef.ir](http://www.alef.ir)

93. [www.persianblog.com](http://www.persianblog.com)

[www.alef.ir](http://www.alef.ir)

۹۴. هدایتی، بهمن، ۱۳۸۶.